



شگردهای تنش‌زایی و تعلیق معنایی در تذکره‌الاولیای عطار نیشابوری

سیما رحمانی‌فر

دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران

چکیده

اگر فنون بلاغی را به‌مثابه نهادهایی فرهنگی در نظر بگیریم که می‌توانند نماینده شیوه‌های غالب تفکر در جامعه باشند، یکی از دلایل رشد مداوم کاربرد صنعتی‌همچون ابهام، تضاد، و پارادوکس در تاریخ تطور بلاغت فارسی، می‌تواند حوادث نامبارک روزگار از جمله حمله ویرانگر مغول، رشد استبداد و خودکامگی، آسیب‌های فرهنگی، ترویج روحیه ظلم‌پذیری و در نتیجه در پرده‌گویی و پنهان‌کاری ادیبانه باشد. باید گفت هرچه روابط موجود در اجتماع پیچیده‌تر باشد، افراد نیز رفتار زبانی پیچیده‌تری در پیش می‌گیرند. تذکره‌الاولیا به‌عنوان یکی از متونی که اقوال و عبارات بسیاری از مشایخ را دربردارد، نمونه خوبی برای نشان دادن انعکاس این اعتراض‌ها و هنجارشکنی‌ها در ساخت زبان است. این پژوهش در نظر دارد با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی شگردها و ابزارهای زبانی و بلاغی برای ایجاد تنش در متن، وارونه‌نمایی و هرگونه هنجارگریزی زبانی را متن تذکره‌الاولیا بررسی نماید و نشان دهد ارتباط این شگردها با گفتمان غالب عرفان و تصوف چیست؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد اصلی‌ترین ابزار و شگردهای این اثر برای ایجاد تنش در متن و تعلیق معنایی عبارت است از: کاربرد جملات مبهم، بازی با کلمات، پاسخ‌های غیرمنتظره به سؤالات، دوبهلوگویی، کاربرد عبارات طنزآلود و تمسخرآمیز، کاربرد عبارات شطح‌آمیز، تناقض‌نمایی، و کاربرد کلمات متضاد و متقابل. نتایج تحقیق این فرضیه را ثابت می‌کند که تضاد و تباین میان لفظ و معنا در متون عرفانی مانند تذکره‌الاولیا، ناشی از فاصله بین قول و فعل، و ظاهر و باطن در ساختار اجتماع، به‌ویژه متصوفه، است. این نایک‌رنگی و ناراستی به وادی زبان نیز کشیده شده و بخش‌هایی از این متون را دارای تنش، دست‌انداز، دومعنایی، و ابهام کرده‌است.

کلمات کلیدی: عطار، تذکره‌الاولیا، عرفان، بلاغت نوین، دومعنایی، هنجارگریزی